

## نگرشی بر رشد و شناخت کودک

### آرزو صاحب الزمانی (نویسنده مسئول) و مختار رنجبر ۲

۱. دبیر آموزش و پرورش، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، ایران

Aradmohamadhasani07@gmail.com

۲. استادیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، لامرد، ایران

Ranjbarmokhtar@yahoo.com

### چکیده

سابقه و هدف: هدف اصلی این پژوهش نگرشی بر رشد و شناخت کودک بود. رشد یا تحول عبارت است از کلیه تغییرات کمی و کیفی که در طول زندگی انسان رخ می دهد. مانند افزایش قد و وزن، در آوردن دندان، تحولات شناختی، عاطفی، جسمانی، کلامی و ....

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش رشد عبارت است از مطالعه تحول و فرایندهای روانی در انسان. هدف رشد این است که تغییرات متفاوت را در موجودات زنده مطالعه نماید و تواناییهای مختلف را بررسی کرده، چگونگی تحول تواناییها را در نظر بگیرد.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که رشد در صدد است که تحول تواناییهای مختلف و سرانجام پدیده های روانی را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به یافته های روانشناسی رشد، همه کسانی که با رشد کودک و نوجوان سر و کار دارند می بایستی واجد نگرش تحولی باشند. نگرشی که موجب می گردد تا برخورد اولیاء و مربیان با کودک متناسب با سن و ویژگیهای روانشناختی وی باشد.

واژگان کلیدی: رشد، شناخت کودک، توانایی، هدف.

**مقدمه**

اضراب و نگرانی کودک در این دوران بیشتر می‌شود زیرا به توجه همسالان، والدین و معلمان نسبت به خود اهمیت می‌دهد و دوست دارد مورد پذیرش آنها قرار گیرد نسبت به سنین گذشته، از متنانت و خویشان داری بیشتری برخوردار است. رنج و شادی می‌تواند در تحریک عواطف او موثر باشد [۱]. در برابر خشم و ترس دانش‌های دفاعی داشته و رفتارهایش بیشتر جنبه بدنی و حرکتی دار. اختلاف خانوادگی یا جدایی والدین در عواطف او تاثیر بسیار بدی می‌گذارد و از رابطه عمیق خانوادگی تاثیر می‌گیرد. دوست دارد که همه چیز را بدست آورد و از دست دادن چیزی در او ایجاد خشم و تنفر می‌کند. خشم و نفرت خود را به صورت مکانسیم‌های مختلفی به صورت قهر و آشتی نشان می‌دهد تا اندازه‌ای از روی بهره و عملکرد آنها، حالت خشم، محبت، نگرانی و خوشحالی را می‌توان درک کرد [۲].

**مواد و روشها**

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید، یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

**مبانی نظری****اصول رشد**

نظریات و رویکردهای مختلف، اصولی را بررشد حاکم می دانند که آنها را مشخص نموده اند. این اصول عبارتند از:

**اصل تفاوتهای فردی**

یعنی در عین حال که الگوی حاکم بر رشد انسان، الگوی واحدی است و همه از یک مسیر متحول می شوند و تواناییها و ساختهای شناختی و روانی به دست می آورند اما در رشد باید به تفاوتهای فردی نیز توجه نمود، زیرا تحول از فردی به فرد دیگر متفاوت است و سن اکتساب تواناییها در افراد، متفاوت است. این اصل در مورد فرهنگها و کشورهای مختلف نیز حاکم است [۳].

**اصل رشد متعادل**

در فرایند رشد متعادل، انسان در جنبه های مختلف جسمانی، روانی، عاطفی، شناختی و اجتماعی متحول و متعادل می گردد و با افزایش سن، فرد واجد تواناییهای پیچیده تری می شود. رشد متعادل یک رشد بهنجار بوده و تمام جوانب را دربر می گیرد. هنگامی رشد به صورت متعادل صورت می گیرد که تمام جنبه های مختلف رشد با هم رشد نمایند و فرایند مطلوبی از رشد حاصل شود. وگرنه چنانچه فردی فقط در یک جنبه مثلاً جسمانی تحول مطلوبی داشته باشد و در سایر جنبه های مثلاً هیجانی و عاطفی تحول نداشته باشد، دارای رشد نابهنجار است [۴].

**اصل جهت رشد**

جهت رشد انسان ها مشخص است و در سه جهت می توان آن را خلاصه نمود:

**الف) جهت سری - پایی**

یعنی انسانها ابتدا از ناحیه سر رشد می کنند و به تدریج رشد به سمت پاها پیش می رود. البته این اصل رشد بیشتر در حوزه رشد زیستی و فیزیولوژیک صادق است.

ب) جهت مرکزی - پیرامونی: یعنی ابتدا قسمتهای مرکزی هر عضو رشد می کند و سپس به پیرامون گسترش می یابد.

**ج) جهت عام به خاص**

ویژگیها و تواناییهای انسان ابتدا کلی و عام بوده و به تدریج اختصاصی می شوند. مثلاً در رشد عاطفی، ابتدا یکسری رفتارهای کلی وجود دارد. مثلاً گریه کودک یک علامت هیجانی است و از گریه های دیگر قابل تشخیص نمی باشد و یک گریه عام است. بتدریج در طی رشد، گریه ها نیز اختصاصی تر شده و کودک در برابر هر خواسته یا نیاز نوع گریه متفاوتی دارد. مثلاً هنگام دلتنگی، درد، گرسنگی گریه های متفاوتی می کند. با افزایش سن و پیچیده تر شدن تواناییهای فرد، رفتار اختصاصی تر می شود. به عبارت دیگر، رفتارهای انسان از عام و کلی به سوی رفتارهای خاص و اختصاصی می رود. به عنوان مثال هنگامی که کودک ۸ ماهه ای می خندد، به همه افراد لبخند می زند، اما به تدریج با افزایش سن، تنها به مادر لبخند می زند. در این مثال، لبخند کودک به همه افراد، نشانه عام بودن و لبخند به مادر نشانه خاص بودن رفتار است. به تدریج با افزایش سن تنها به مادر لبخند نمی زند و نیز با گذشت زمان، به مادر به شکل خاصی لبخند می زند. یا در سن جوانی در جایی می خواهد بخندد اما از این امر خودداری می کند، یعنی کمیت لبخند متفاوت می شود و از عام به خاص می رود [۵]

**اصل سرعت رشد**

توانایی مختلف انسان در مراحل مختلف تحول، با یک سرعت متحول نمی شوند. مثلاً سرعت تحول اجتماعی در دوره کودکی کندتر از جوانی است. البته در یک سن خاص نیز، جنبه های متفاوت تحول به یک میزان رشد نمی یابند. بلکه در وهله های مختلف سرعت متفاوتی دارند [۶].

**اصل تداوم و پیوستگی**

تحول انسان مداوم و پیوسته است و هیچگاه متوقف نمی شود. البته ممکن است به ظاهر در ذهن این چنین تصور شود که تحول صرفاً در وهله کودکی، نوجوانی و جوانی صورت می گیرد و بعداً تحولی وجود ندارد، اما تا زمانی که انسان در قید حیات است شاهد تحول او می باشیم. هر چند که بر اساس اصل قبلی، تحول در دوره پیری کندتر از سایر مراحل است، اما در آنجا هم ممکن است تحولی در فرد رخ بدهد که سرعتشان در آن دوره، بالاتر است. بنابراین، انسان در جهت عام به خاص، با سرعت متفاوتی رشد می کند و رشد پیوسته و مداوم بوده و هیچگاه متوقف نمی شود [۷].

**اصل جنسیت**

جنسیت می تواند در برخی از جنبه ها یا انواع تحول تأثیر بگذارد، سرعت رشد را متحول کند یا نوع تحول را متفاوت کند. البته اصل جنسیت در انواع تحول دخالت زیادی ندارد. مثلاً در تحلو شناختی، تأثیر بسیاری دارد. به عنوان مثال بلوغ دختران و پسران متفاوت است، نع بلوغ، چگونگی و سن آن در دو جنس متفاوت می باشد. در جنبه های شناختی، هر چند توالی مراحل رشد یکسان است اما سن اکتساب دختر و پسران متفاوت بوده و این اصل را تحت عنوان اصل جنسیت می شناسند. سرعت رشد در دختران بیشتر است. دختران معمولاً زود صحبت می کنند، راه می افتند، به بلوغ می رسند و جنسیت در رشد جسمانی تأثیر بسیاری دارد. اوج این تفاوت در دوران بلوغ است. سن اکتساب و نوع بلوغ دختر و پسر متفاوت است. شکل فعالیت دختر و پسر متفاوت است و تغییرات حاصل شده، تغییرات روانی و عاطفی است. تغییرات بلوغ در ابتدا، تغییرات فیزیولوژیک است و منجر به یکسری تغییرات عاطفی و هیجانی می شود و این تغییرات در دختر و پسر متفاوت می باشند [۸].

البته از نظر شناختی تفاوت زیادی بین دختر و پسر وجود ندارد و به همین دلیل هر دو می توانند در یک کلاس تحت آموزش قرار گیرند. هر چند در برخی از جنبه های شناختی از قبیل تجسمی ممکن است بین دختر و پسر تفاوتی دیده شود.

### اصل تدریجی بودن رشد

رشد و تحول، تدریجی بوده و در یک زمان طولانی شکلی می‌گیرد. به عبارت دیگر، طیف وسیعی وجود دارد که ابتدا و انتهای عمر را با توجه به سرعت‌های متفاوت، نشان می‌دهد. توانایی خاصی در یک مرحله تهیه شده و در مراحل بعدی به استقرار می‌رسد.

تواناییهای ذهنی و روانی و ... به شکل ناگهانی و آنی به وجود نمی‌آیند بلکه تدریجی شکل می‌گیرند. این اصل در برخوردهای تربیتی والدین باید مورد توجه قرار گیرد. والدین باید بدانند که به دست آوردن تواناییها در کودک نیاز به زمان دارد و در رشد نباید تعجیل نمود [۹]

۱. رشد جریانی مرحله‌ای و پیوسته است: رشد پیوسته است و نه ناپیوسته. مرحله‌ای که برای رشد اشاره می‌شود جدا از هم نیستند بلکه مانند یک خطی از یک نقطه شروع و بدون تمایز ادامه می‌یابد. تقسیم بندی دوره‌های مختلف زندگی بر اساس نوع دیدگاه و زمینه‌های مطالعاتی در رشد صورت می‌گیرد. به طور مثال پیازه رشد (تحول شناختی) انسان را در چهار مرحله و تا پایان ۱۶ سالگی، اریکسون رشد روانی - اجتماعی انسان را از تولد تا پایان عمر و در ۸ مرحله مطرح می‌کند. به طور کلی و با توجه به ویژگیهای مشترک و تکالیف یکسان انسان در دوره‌های مختلف سنی می‌توان رشد انسان را در ۹ مرحله یا دوره مطرح کرد: (سنینی که برای هر کدام از مراحل اشاره می‌شود صرفاً تقریبی است [۹])

۱. پیش از تولد انعقاد نطفه تا تولد
۲. کودکی ۱، دو تا شش سالگی
۳. کودکی ۲، شش تا دوازده سالگی
۴. نوجوانی دوازده تا بیست سالگی
۵. جوانی بیست تا سی سالگی
۶. میانسالی سی تا پنجاه سالگی
۷. پختگی پنجاه تا شصت و پنج سالگی
۸. پیری شصت و پنج سالگی به بعد

۲. رشد دارای الگوهای قابل پیش بینی است. (الف- قانون سری - پایب ب -قانون مرکزی- پیرامونی) بر اساس قانون سری - پایب رشد انسان ابتدا از سر شروع و در نهایت در پا خاتمه می‌یابد. کودک تازه متولد یافته ابتدا در سر رشد می‌کند و بعد از رشد گردن می‌تواند سر خود را نگهدارد. وبعد از رشد عضلات شانه، شکم و کمر است که می‌تواند بخزد و بنشیند. آنگاه که رشد کافی در عضلات پا را کسب کرد قادر به ایستادن و سپس راه رفتن می‌شود [۱۰]

۳. تفاوت‌های فردی در رشد: تنوع زیادی از نظر رشدی در میان افراد وجود دارد. این اصل به مفهوم تفاوت‌های فردی در میان انسان‌ها اشاره می‌کند. همچنانکه می‌دانیم ویژگیهای ژنتیکی هر انسان منحصر به فرد می‌باشد لذا هر فرد با توجه به همان ویژگیها و تاثیر محیط می‌تواند شکل واحدی در رشد داشته باشد با اینحال برای راحتی در تحقیقات و ارائه الگو به یک سطح در رشد اشاره می‌شود که ما باید در تعمیم دهی دچار خطا نشویم، و این نکته را در نظر بگیریم همیشه یک فرد دارای ویژگیهای مخصوص به خود می‌باشد اگر چه در خیلی از ویژگیها با گروه خود مشترک باشد [۱۱].

۱. نباید انتظار داشت تمام کودکان همسن، شیوه رفتار معینی داشته باشند.

۲. تفاوت‌های فردی، اعتبار و مسئولیت ویژه‌ای برای هر فرد ایجاد می‌کند و به او وجود مستقل می‌بخشد.

۳. برای تربیت کودکان نمی‌توان از روش‌های مشابه استفاده کرد.

۴. رشد دارای ابعاد مختلف و فرایندی پیچیده است. (۱) رشد جسمی و حرکتی (۲) رشد روانی (شناختی، عاطفی، اجتماعی،

اخلاقی) [۱۲]

۵. دوره‌های حساس در رشد: تغییرات محیط بیشترین تاثیر کمی را زمانی بر ویژگی دارند که در حال سریعترین تغییر خود باشد و کمترین تاثیر در ویژگی در زمان کمتر تغییر آن است. این اصل به مفهوم وجود دوره‌های حساس در زندگی اشاره دارد، مانند رشد قد در زیر یک سال و وجود امکانات محیطی از جمله تغذیه مناسب می‌تواند در افزایش آن تاثیر داشته باشد.

۶. هرگونه وقفه‌ای که در تداوم رشد بوجود آید معمولاً به عوامل محیطی مربوط است: رشد معمولاً با همان سرعتی که شروع شده پیش می‌رود. کودکانی که زود به حرف می‌آیند و یا زود به راه می‌افتند معمولاً و احتمالاً در مقابل با کودکانی که دیر به حرف می‌آیند و یا دیر به راه می‌افتند در بزرگسالی باهوش ترند.

۷. وراثت و محیط هر دو. در رشد تاثیر دارند: تحقیقات روانشناسان رشد نشان داده‌است که وراثت (آمادگیهای ارثی که از طریق ژن به فرزندان انتقال می‌یابد) و محیط (فراهم بودن امکانات لازم جهت افزایش توانمندیهای کودک) می‌تواند در وضعیت آینده کودک تاثیر داشته باشد [۱۳]

### محیط

عوامل محیطی را می‌توان به این شکل تقسیم کرد:

#### الف: عوامل محیطی پیش از تولد

عوامل محیطی قبل از تولد در رشد فرد تاثیر مهمی دارد که ما به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱. سن مادر: به طور کلی زنانی که از مراقبتهای بهداشتی، پزشکی و تغذیه مناسب برخوردار باشند، می‌توانند در هر سنی نوزادان سالمی به دنیا آورند و خود نیز سالم بمانند. اما به اعتقاد بسیاری از متخصصان بهترین زمان برای حاملگی سنین بین ۲۰ تا ۳۵ سالگی است. سنین پایینتر از ۲۰ سالگی بدلیل وزن کم و عدم رشد کافی احتمال مشکلات حاملگی، از قبیل کم خونی و مسمومیت حاملگی بیشتر است. این موضوع و خطرات ناشی از نارس بودن نوزاد، کم وزنی در سنین بالاتر از ۳۵ سالگی علی‌الخصوص بالای ۴۰ سالگی بروز اختلالات کروموزومی به ویژه سندرم داون (منگول) بیشتر است [۱۴].

۲. تغذیه: زنان حامله باید رژیم غذایی مناسب داشته باشند تا بتوانند هم سالم بمانند و هم فرزندان سالمی به دنیا آورند. [۱۵]

۳. داروها: اغلب داروها دارای تاثیرات منفی بر سلامت جنین هستند. داروهایی نظیر الکل، نیکوتین، هورمون‌ها، بعضی از پادتن‌ها، هروئین، متادون همگی در جنین تاثیرات مخربی می‌گذارد. بسیاری از نوزادانی که مادران شان در دوران حاملگی داروهای فوق را مصرف می‌کردند، علائمی از اختلالات رفتاری از خود نشان دادند.

۴. بیماری‌ها و اختلالات مادر: بیماریهای ویروسی نظیر سرخچه، آبله مرغان در دوران اولیه بارداری بسیار خطرناک است؛ و یکی از سخت‌ترین بیماریهای ویروسی در سه ماهه اولیه بارداری سرخچه است که ممکن است منجر به ناهنجاریهای قلبی، ناشنوایی، نابینایی و یا عقب ماندگی ذهنی نوزاد شود. اختلالات و بیماریهای دیگر نظیر ایدز، سیفلیس، مسمومیت حاملگی نیز موجب اختلالاتی در نوزاد خواهد شد. [۱۶]

۵. عامل اره‌اش: اگر مردی با اره‌اش مثبت با زنی با اره‌اش منفی ازدواج کند، چنانچه فرزندشان اره‌اش مثبت داشته باشد ممکن است خون مادر در مقابل اره‌اش مثبت پادتن تشکیل دهد. در بارداری بعدی این پادتن‌ها ممکن است به اره‌اش مثبت خون جنین حمله کند. این تخریب ممکن است مختصر و یا گاهی باعث فلج مغزی، ناشنوایی و یا عقب ماندگی ذهنی شود. خوشبختانه این مشکل قابل کنترل است و می‌توان بعد از تولد نوزاد و با آزمایش خون آن (نمونه بند ناف) چنانچه مادری اره‌اش منفی و فرزند اره‌اش مثبت دارد، با تزریق آمپول روگام از تولید پادتن خون مادر جلوگیری شود.

۶. اضطراب مادر: اگر چه بین سیستم عصبی مادر و جنین هیچ ارتباطی وجود ندارد، اما حالات عاطفی مادر مانند، نفرت، ترس و اضطراب در سیستم عصبی مادر تاثیر گذاشته باعث آزادسازی بعضی از مواد شیمیایی (مانند اپی نفرین و استیل کولین) و

وارد شدن آن به جریان خون می‌شود و همچنین تحت این شرایط بعضی از غدد فعال شده و مقادیر زیادی هورمون را به خون وارد می‌کنند. این تغییرات از طریق جفت به جنین منتقل می‌شود و باعث تاثیرات منفی بر جنین خواهد شد. [۱۷]

### ب: عوامل محیطی پس از تولد

۱. محیط فرهنگی و اجتماعی: در هر جامعه ای سنت‌ها، باورها نگرشها و بطور کلی فرهنگ خاصی حاکم است. در آن فرهنگ برای اینکه فرد به عنوان عضو جامعه پذیرفته شود، خانواده و سایر اعضای جامعه تلاش می‌کنند در پرورش وی ارزشها و باورهای جامعه را لحاظ کنند و بر اساس فرهنگ حاکم بر جامعه ی خود به تربیت فرزندان بپردازند. بطور مثال در بعضی از جوامع توجه به فردیت باعث تربیت افراد مستقل می‌شود و یا در بعضی دیگر از فرهنگ‌ها روح همکاری و جمع گرایی به عنوان یک اصل پذیرفته شده و رفتارهای متناسب با آن مورد توجه و تشویق قرار می‌گیرد. به نظر بسیاری از روان شناسان، فرهنگ و جامعه باعث نوعی نگرش در آموزش و پرورش شده، باعث ایجاد تبعیض در رشد شناختی کودکان و نوجوانان می‌شود. به عنوان نمونه انتظار پیشرفت در ریاضیات و مهندسی برای پسران و شغل‌های متناسب با آن و انتخاب اسباب بازی‌های متناسب با جنسیت باعث نوعی نگرش سوگرانه شده و بالطبع در رشد توانمندی‌های آنها تاثیر مستقیم می‌گذارد [۱۸]

۲. محیط اقتصادی: کودکی که متولد می‌شود با توجه به وضع اقتصادی والدین از امکانات و محرک‌هایی برخوردار است. روشن است چنانچه وضعیت اقتصادی خانواده و جامعه در سطح بالایی باشد کودک و نوجوان از حداکثر امکانات محیطی، چه در محیط خانواده و چه در مدرسه برخوردار خواهد بود. این افراد به لحاظ فضای زندگی، وسایل بازی و محرک‌های مناسب جهت پرورش قوای حسی از تحریکات مناسبی برخوردار هستند.

۳. محیط خانوادگی: نوع ارتباط والدین با همدیگر و همچنین چگونگی تعامل آنها با فرزندان می‌تواند در چگونگی شکل گیری شخصیت تاثیر بسزایی داشته باشد. یکی از بحث‌های مهم در روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، نحوه ارتباط والدین است. به طوری که در اکثر نظریه‌های رشد کودک و نوجوان، به اهمیت رفتار والدین توجه شده‌است. رفتار والدین با فرزندان چه خشن و چه محبت آمیز، چه منع کننده باشد و چه او را آزاد بگذارند غالباً مطابق الگوی فرهنگی خاص که در آن جامعه قرار دارد انجام می‌گیرد. عوامل متعددی در محیط خانوادگی می‌تواند در رشد کودک و نوجوان تاثیر بسزایی داشته باشد که اهم آن عبارتند از:

- شیوه‌های تربیتی یا روشهای فرزندپروری

- وضع اقتصادی خانواده

- تعداد افراد خانواده

- وضع روان‌شناختی والدین

- تحصیلات والدین

- پذیرش فرزند

- نگاه والدینی

- روابط برادران و خواهران [۱۹]

عوامل اشاره شده در رشد کودک و نوجوان بسیار با اهمیت می‌باشد. خانواده‌ای که از لحاظ اقتصادی در سطح مطلوبی باشد، والدینی که از تحصیلات بالایی برخوردار باشند، نگاه مسئولیت پذیر در والدین، پذیرش بدون قید و شرط بدون توجه به ناتوانی‌های فرزند و... محیط مطلوبی را برای رشد همه‌جانبه کودک و نوجوان ایجاد می‌کند.

۴. همسالان

۵ -مدرسه [۲۰]

## رشد ذهنی کودکان از شیر خوارگی تا ۲ سالگی

هوش، قدرت سازگاری فرد با محیط تلقی شده است. ذهن کودکان در دو سال زندگی در مرحله حرکت قرار دارد که به نظر پیازنه دارای شش مرحله است؛

• مرحله اول: اعمال بازتابی از تولد تا پایان یک ماهگی است. در این مرحله نوزاد از طریق یک سلسله اعمال انعکاسی نظیر مکیدن با محیط ارتباط برقرار می کند.

• مرحله دوم: اولین واکنشهای دوری یک تا چهار ماهگی است. در این مرحله کودک پس از انجام یک عمل به صورت تصادفی به تکرار آن می پردازد و از آن لذت می برد. در این مرحله بخشی از اعمال کودک هماهنگ می شود و رفتار تقلیدی در او شکل می گیرد [۲۱].

• مرحله سوم: این مرحله چهار تا هشت ماهگی را شامل می شود و به دومین واکنشهای دوری معروف است. هماهنگی بیشتری بین حرکات کودک به وجود می آید در این مرحله کودک می تواند با دیدن بخش معلومی از یک شی پنهان شده آن شی را تشخیص دهد.

• مرحله چهارم: هدفدار می شود و رفتار خود به خود رخ نمی دهد کودک می تواند موانع را برطرف کند تا به شی مورد نظرش برسد یا از طریق واسطه قراردادن یک شی به هدف مورد نظرش دست یابد. در این مرحله مفهوم بقای شی حاصل می شود یعنی اگر از حوزه دید او پنهان شود هنوز آن شی برای او وجود دارد [۲۲].

• مرحله پنجم: سومین واکنشهای دوری از دوازده تا هجده ماهگی است که در این مرحله کودک از طریق آزمایش، راه حلهای جدیدی را برای حل مشکلش کشف می کند و مایل است بداند اعمال او چه اثری بر محیط می گذارد.

• مرحله ششم: ابداع وسایل جدید از طریق فعالیتهای ذهنی از هجده تا بیست و چهار ماهگی است در این مرحله اعمال کودک تا خلاقیت همراه است و جنبه آزمایش و خطای صرف ندارد. همچنین کودک می تواند اعمال مختلفی را باز نمایی کند و به پیش بینی نتایج آنها پردازد [۲۳].

## رشد عاطفی

عاطفه، پاسخ فرد به نیاز درونی یا محرک بیرونی است که با علام فیزیولوژیکی نظیر افزایش ناگهانی ضربان قلب، انقباض عضلات، بالا رفتن فشار خون و افزایش ترشح هورمون آدرنالین همراه است. قدرت درک و وضع جسمانی کودک در بروز عواطف موثر است. عواطف کودک در دو سال اول زندگی به علت محدود بودن تجارب متعدد و متنوع نیست و با افزایش سن و تجربه پاسخهای عاطفی او متنوع و مشخص و قابل فهم می شود. حالات عاطفی کودکان را باید در واکنشهای آنان جستجو کرد. در چهار تا ده ماهگی ترس از اشیاء ناآشنا بروز می کند. کودکان در سال اول زندگی به علام خشم و خوشحالی دیگران پاسخ می دهند. چنانچه کودک به فردی دل بستگی شدید پیدا کند در صورت جدا شدن از او مدت طولانی دچار افسردگی می گردد [۲۴].

کودک در هجده ماهگی در حالت عدم تعادل به سر می برد و خیلی زود تحریک و عصبانی می شود. در دو سالگی تعادل روانی مطلوبی دارد و در همه زمینه ها آرامتر و با ثبات تر از قبل است و دوست دارد دیگران را، از خود راضی کند. موارد عاطفی مشترکی نظیر ترس، خشم، پر خاشگری و محبت کم و بیش در همه کودکان مشاهده می شود. رابطه بین کودک و مادر و نیز کسانی که از او مراقبت می کنند و رشد عواطف او اهمیت بسیار دارد بتدریج که کودک بزرگتر می شود پیوند عاطفی خود را با والدین و اطرافیان نزدیک حفظ کرده، در نتیجه با رفتارها و ارزشهای والدین و مورد علاقه خود همانند سازی می کند [۲۵].

## رشد اجتماعی

در اولین سال زندگی رابطه عاطفی کودک با اطرافیان بخصوص مادر نقش تعیین کننده ای در رشد اجتماعی او دارد یعنی ارضای نیازهای اولیه کودک از جمله، گرسنگی و تشنگی سازنده نگرش آینده او نسبت به دیگران است. مادر عصبانی و مضطرب نمی تواند کودک را به طور مناسب غذا بدهد و ارتباط عاطفی مطلوبی با او برقرار سازد تکرار این حالت بتدریج غذا خوردن را برای

کودک ناراحت کننده می کند در نتیجه باعث بد غذایی و ضعف جسمانی کودک می شود کنترل ادرار و مدفوع نیز در اجتماعی شدن کودک نقش بسزایی دارد و کودک باید آن را بیاموزد. در این مورد مادر نقش اساسی و اولیه را بر عهده دارد چون کودک در حدود شش ماهگی می تواند مادرش را از دیگران باز شناسد، معمولاً جدایی طولانی کودک از مادر در این سن آثار ناگواری در رشد شخصیت کودک بر جای می گذارد [۲۶].

کودک چهارماهه شکل افراد مختلف را در فکرش مجسم می کند قیافه و صدای مادر را بدرستی تشخیص می دهد و با دیدن قیافه آشنایان خوشحال می شود. از هفت ماهگی گرچه بیشتر اوقات خود را به بازی کردن با خودش سپری می سازد به اطرافیان نیز توجه خاص دارد و درباره آنان کنجاو است و نسبت به قیافه های آشنا و بیگانه واکنشهای متفاوتی بروز می دهد. کودک ده ماهه به تقاضای اطرافیان پاسخ می دهد، دوست دارد مورد توجه قرار گیرد و به بازی کردن بسیار علاقه مند است. رابطه کودک بیست ماهه با اطرافیان بر اساس گرفتن است نه دادن، او از انجام دادن کارهایی که بر خلاف میل دیگران باشد لذت می برد و هنوز مایل به همکاری و مشارکت نیست کودک دو ساله تعادل و آرامش دارد. در انجام کارهای شخصی پیشقدم می شود، از تشویق و ستایش خوشش می آید و می خواهد اطرافیان را راضی کند و نسبت به محیط و انسانها کنجکاو است. هرچه والدین کودک را در این زمینه بیشتر تشویق کنند احساس استقلال در او بیشتر رشد می کند و در مقابل حمایت افراطی با تمسخر تلاشهای نا موفق کودک ممکن است او را نسبت به توان خودش مردد سازد [۲۷].

### رشد اخلاقی

کودکان در دوره شیر خوارگی، نادرستی اعمال را برحسب لذت یا درد تعبیر و تغییر می کنند و رعایت حقوق دیگران برای آنان معنی و مفهوم ندارد. کودکان از هجده ماهگی ساختن بازیهای آرمانی از اشیا و امور و رفتارها را شروع می کنند. بدین معنی که اسباب بازی شکسته می شود همه دگمه های لباس باید سر جای خود باشد و لباس هیچ پارگی نداشته باشد. در همین زمان کودک در مورد رفتار درست و نادرست در موقعیتهای خاص، معیارهایی را که اغلب در محدوده نظافت، مهار پر خاشگیری و اطاعت از والدین است، را مشخص می سازد. این معیارها سر آغاز درک کودک دوساله و ارزیابی رفتارشان را به عنوان خوب یا بد شروع می کند و چنانچه امور با معیارهای آنان هماهنگ نباشد، مضطرب می شود، این مورد در کودکان با فرهنگهای مختلف مشترک است [۲۸].

### مهارت هایی که پس از راه افتادن در کودک رشد و تکامل می یابند

تا شش سالگی تکامل عضلانی پاها عبارت از مهارت بیشتر در راه رفتن و کسب مهارت هایی است که به دنبال دارد. دو پرش و بالا رفتن بزودی به دنبال راه رفتن ظاهر می شود. پیش از آنکه کودک به دو سالگی برسد می تواند به جلو و عقب راه برود و با کمک بزرگترش از پله بالا و پایین برود و یا روی یک پای خود بایستد. کودک در چهار سالگی می تواند از بلندی ۳۰ سانتیمتر بپرد. از پنج تا شش سالگی کودک طناب بازی را فرا می گیرد [۲۹].

### تفاوت رشد حرکتی میان پسر و دختر

تجارب بعمل آمده نشان می دهند که در بیشتر مهارتهای حرکتی و کارهای مربوط به قدرت و سرعت پسران متوسط بردختران متوسط برتری دارند. و این تفاوت میان آنان با پیشرفت سن افزایش می یابد چنانچه استعداد انجام دادن فعالیتهای حرکتی در دختران در ۱۴ سالگی به حداکثرش می رسد، در صورتی که پسران تا ۱۷ سالگی از این لحاظ رشد می کنند. دختران فقط در بعضی از ورزشها می توانند با پسران مسابقه دهند و شرکت آنها در فعالیت بدنی پسران جنبه استثنایی دارد و نتیجه احتیاج اجتماعی است [۳۰].

علت این تفاوت به محیط و طبیعت بدن بستگی دارد. بدین معنی که پسران معمولاً پیش از دختران مجال فعالیت حرکتی دارند و زود می توانند بر خلاف دختران در بازیهای گوناگون شرکت کنند و این خود در پیشرفت آنان کمک موثری است. از طرف دیگر عامل بدنی باعث ایجاد این تفاوت می شود یعنی تفاوتهای بدنی در برتری پسران بردختران از حیث رفتارهای حرکتی تاثیر



زیادی دارد چنانچه حجم بدن دختران هنگام نضج جنسی کوچکتر از پسران و بازوها و ساقهایشان نسبتاً کوتاهتر و تنه هایشان بزرگتر است و همین وضع و حالت مانع شرکت دختران در بعضی از فعالیتهای بدنی می گردد. دختران هنگام تولد از لحاظ سن اسکلت<sup>۱</sup> تقریباً چهار هفته از پسران جلوتر هستند و تا دوره بلوغ سن اسکلت ایشان در حدود ۱۲۵ درصد پسران همسال خود است به همین سبب دختران دو سال زودتر پسران به مرحله بلوغ و نوجوانی می رسند [۱]

### رشد اجتماعی کودک در ۳ سالگی

کودک سه ساله معمولاً کودکی است که برقراری رابطه با او به مراتب آسانتر از کودکان دو و نیم ساله است. در این سن که فشارهای اجتماعی شدن، ظاهر می گردد. کودک سه ساله در برابر بسیاری از تقاضاهای محیطش رام می شود و حتی می تواند خواسته های لحظه ای خود را در ازای ارضای آنها در آینده به تاخیر اندازد. البته این تغییر در رفتار، تا حدودی نتیجه آموزش و یادگیری است. در این کودکان ارضای لذات آنی باید بلافاصله صورت می گیرد. به همین جهت معلمان از شیرینی و تنقلات به عنوان پاداش در یادگیری ها و بدست آوردن پاسخ مناسب از کودکان استفاده می کنند. مقدار واکنش بزرگترها و بازخوردهای آنان در این مرحله، تا حد زیادی، تعیین کننده درجه الگوهای اجتماعی شدن در کودکان است. در این، کودکان رفتارهای اجتماعی خوبی از خود نشان می دهند [۲].

کودکان ۳ ساله می توانند اعمال روزانه را با دقت عمل و تمرکز حواس بسیار خوبی انجام می دهند. آنها در این مرحله در وضعیت حرکتی خوبی قرار دارند و ماهیچه های کوچکشان هماهنگی بهتری پیدا کرده اند. این کودکان بیشتر تمایل دارند اسباب بازی های کوکی، مکانیکی و یا وسایل بازی دیگری را دستکاری کنند. در این سن، سه چرخه سواری، چیزی به مراتب بیشتر از یک فعالیت حرکتی است و یا مثلاً ماشین آتش نشانی است که کودک حتی صدای سوت و آژیر آن را از خود در می آورد روی پدال آن فشار می دهد و به اطراف می چرخد [۳].

### رشد اجتماعی کودک ۴ سالگی

کودکان ۴ ساله به موقعیت رهبری در گروه بسیار علاقمندند. فعالیتها را خودشان آغاز می کنند و خود به برقراری رابطه دوستی و واکنش نسبت به یکدیگر می پردازند به کشمکش، کلنجار رفتن و ناسزاگویی به یکدیگر تمایل دارند و با دستور دادن و امر کردن سعی دارند، خود را به هم ردیفان نشان بشناسانند. کودکان در این سن به دنیای بازی گام نهاده اند و به نظر می رسد رفتار اجتماعی آنها تحت تاثیر نیاز به تأیید خود می باشد. الگوهای تأیید خود در محیط خانه و نیز در باریهای گروهی آشکار می شوند. از نظر سخنگویی در مرحله پرسش و پاسخ است و از چرا، چگونه، چه و کجا کلمات استفهامی دیگر در حرفهای بهره می گیرد و از مصاحبت با بزرگترها نیز لذت می برد. کودکان در این سن بسیار کنجکاوند و به اکتشاف بسیاری از امور می پردازند [۴].

رشد مهارتهای کودکان ۴ ساله را می توان از طریق بازی با جعبه های چوبی و چگونگی کار با آنها مشخص کرد. آنها از انجام همه فعالیتها لذت می برند و وقت خود را در حرکات فعال صرف می کند، آنها را می توان در حال «لی لی کردن»، «جهیدن روی یک پا» مشاهده کرد. وقتی در تاب بازی خود را به جلو هل می دهد و یا روی الکلنگ بازی می کند، گویی از تعادل و هماهنگی حرکات خود غرق در شادی می شود. می تواند دگمه لباسش را ببندد، زیپ شلوارش را بالا بکشد، معماهای ساده و پازلهای چند تکه ای را حل کند و وسایل بازی را سر هم بندی کرده و جور کند [۵].

### رشد اجتماعی کودک ۵ سالگی

پنج سالگی نسبت به چهار سالگی دوره پایدارتری است. بدین معنی که در این سن، کودک از همه جهات به توازن و تعادل بیشتری دست می یابد. نسبت به دنیای پیرامونش درک بهتری پیدا می کند. یک پسر ۵ ساله به مربی خود گفت: «وقتی کسی مشغول مطالعه و خواندن است ما نباید با صدای بلند حرف بزنیم.» و یا در جایی دیگر گفت: «من با حامد دوست هستم، ولی وقتی

۱. Skeleton Age

او را نیشگون می گیریم، دیگه با من بازی نمی کند.» این کودکان به عواقب و پی آمدهای رفتارهای ضد اجتماعی پی برده و به طور منطقی و عادلانه آنها را می پذیرند، آنها مستقل و خود کفاست و بدون دشواری می تواند محیط خانه را ترک کند [۶].

در این سن بسیاری از کودکان علاوه بر مهارتهای حرکتی ماهیچه های بزرگ، در مهارتهای حرکتی ظریف و یا ماهیچه های کوچک نیز تعادل بهتری کسب می کنند. بسیاری از آنها می توانند با قیچی کار کنند و از کار با چسب لذت می برند. در این به نوشتن و مهارتهای تحصیلی دیگر علاقه نشان می دهند. البته لازم به ذکر است که در این سن نباید آموزشهای رسمی را برای آنها و به صورت جدی ترتیب داد. زیرا هنوز برای یک برنامه سازمان یافته و منظم آمادگی کافی ندارند [۷].

### رشد اجتماعی کودک در ۶ سالگی

ویژگی های زندگی در خانه کودکان ۳ تا ۶ ساله را که به رشد عقلانی کمک می کنند، ارزیابی می کند. محیط فیزیکی و شیوه فرزند پروری نقش مهمی دارند. کودکان پیش دبستانی که در رشد عقلانی خوبی دارند، از خانه های پر از اسباب بازی و کتاب برخوردارند. والدین آنها صمیمی و با محبت هستند. به رشد زبان و دانستن علمی کمک می کنند، گردشهایی را به مکان خارج از خانه ترتیب می دهند که چیزهای جالبی برای دیدن و کارهای جالبی برای انجام دادن دارند. آنها همچنین از کودک می خواهند رفتار جامعه پسند داشته باشند مثلاً کارهای ساده خانه را انجام دهد و با دیگران مودبانه رفتار کند و در صورتی تعارضی ایجاد شود. این والدین به جای فشار جسمانی و تنبیه از منطق برای حل کردن آنها استفاده می کنند [۸].

### بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که رشد عقلی در این دوره به سرعت به سمت تکامل بیشتر ادامه می یابد کودک به تدریج می فهمد که با اندیشیدن و آزمایش و خطا می توان مشکلات را حل کرد. می تواند موقعیتهای مختلف را به هم ربط دهد و با هم تلفیق کند. رفتارش تا اندازه ای شباهت به بزرگسالان می یابد و مقاومتش در مقابل تلقین همچنان کم می باشد. به سرعت نام اشیاء قابل لمس و عین را آموخته و تجربیات حاصله را سازماندهی می کند. افزایش مفاهیم و تعمیم آن بر اساس عینیات استوار می شود و خواندن و نوشتن و حساب کردن به این تعمیم کمک کرده و با مفاهیم بیشتری او را آشنا می کند. استعداد های مختلف وی شکوفا می شود. مخصوصاً در زمینه مسایل مهمی رهبری و حرکتی در سن ده سالگی رشد کیفی او سریعتر می شود. تصویر روشن تری از خویش و مقام و موقعیت خود درک می کند. تفکر بیشتری در این زمینه ها از خود بروز می دهد با مفاهیم گسترده تر بیشتری آشنایی می یابد.

### منابع و مأخذ

- [۱] امینی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، آیین تربیت، تهران، انتشارات اسلامی،
- [۲] انور جندی، (۱۳۷۱) اسلام و جهان معاصر، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی،
- [۳] بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۶) تحلیل سیره فاطمه الزهرا، بی جا، انصاریان
- [۴] باقری، خسرو، (۱۳۸۴) **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، مدرسه،
- [۵] بختیار نصر آبادی، حسنعلی (۱۳۸۸) **نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تأملی بر آیات و روایات**، اصفهان، دانشگاه اصفهان
- [۶] بستانی، محمود (۱۳۷۲ش) اسلام و روان شناسی، ترجمه محمود هوشم، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد
- [۷] بلندهمتان، کیوان و نقیب زاده، میر عبدالحسین، (۱۳۸۷) **فرا فلسفه تربیت دینی**، فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۶، سال سوم،
- [۸] بهشتی، احمد (۱۳۷۷) **تربیت کودک در جهان امروز**، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم
- [۹] بهشتی، احمد (۱۳۷۷) **اسلام و حقوق کودک**، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم،

- [۱۰] بهشتی، سعید و رشیدی، شیرین، (۱۳۹۲) اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا (علیه السلام)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۸، سال ۲۱،
- [۱۱] بهشتی، سعید، (۱۳۹۰) کاوش‌هایی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی بر مبنای شماری از دیدگاه‌های معرفت‌شناختی صدرالمآلهین، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال هفتم، شماره ۲۶،
- [۱۲] بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۷) روان‌شناسی نوجوانان، تهران، نشر فرهنگ اسلامی
- [۱۳] پارسا، محمد (۱۳۷۴) روان‌شناسی تربیتی، انتشارات سخن
- [۱۴] پسندیده، عباس، (۱۳۸۹ ش)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران، سمت، چاپ دوم
- [۱۵] پورامینی محمد باقر، (۱۳۸۳) «تربیت جنسی در سیره نبوی»، مجموعه مقالات تربیت اسلامی ویژه تربیت جنسی، گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی، قم: سال سوم، شماره هشتم.
- [۱۶] پی هالچین، ریچارد و سوزان کراس ویتبورن، (۱۳۹۲) آسیب‌شناسی روانی، مترجم یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان، چاپ یازدهم.
- الذَّیِّمِیَّ امَدی، عبدالواحدبن محمد، (۱۳۶۶)، الف، غُرَّرَ الحِکْمَ و دُرَّرَ الکَلِمَ، شرح آقا جمال خوانساری، چ ۴، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران
- [۱۸] تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، (۱۳۶۶)، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه،
- [۱۹] ثابت، حافظ، (۱۳۸۸) تربیت جنسی در اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- [۲۰] جباری، ابوالحسن (۱۳۷۹)، هدایه المتقین الی المعاد، شیراز انتشارات نوید
- [۲۱] جعفری ابراهیم (۱۳۸۴). تحولات جهانی آینده، بیم‌ها و امیدها در کانون خانواده، نشریه ی نگاه، آبان ماه، ص ۴
- [۲۲] جمالی‌زاده، احمد، (۱۳۸۵) سیره‌شناسی و تربیت دینی، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۰، سال پنجم.
- [۲۳] جهانفر، ش، مولائینژاد، م، (۱۳۹۳) درسنامه اختلالات جنسی، تهران، نشر جامعه نگر،
- [۲۴] جهانیان نجف آبادی، امیر، (۱۳۹۰) فرزند و تربیت جنسی، اصفهان: کیاراد، چاپ اول.
- [۲۵] جوادی آملی، (۱۳۸۴) بنیان مرصوص امام خمینی، محقق محمد امین شاهجوئی، قم: اسراء، چاپ هشتم.
- [۲۶] حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، (۱۴۱۵) المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- [۲۷] حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۵)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۲۸] عقل و وحی در قرون وسطی، ترجمه شهرام پازوکی، انتشارات گروس، چ ۲
- [۲۹] خورشیدی، عباس (۱۳۸۱). رفتار والدین و تربیت فرزندان. تهران: یسپترون
- [۳۰] دیویی، جان، (۱۳۸۷) مدرسه و شاگرد، ترجمه ی مشفق همدانی، تهران: انتشارات صفی علیشاه،